یادداشت

ویرایش و چند پرسش (۱)



علیرضا حیدری
روزنامه نگار ومدرس ویراستاری

در زنجیره یادداشت هایی بنا داریم از خود مقولهٔ ویراستاری و ویرایش بنویسیم و پاسخی بدهیم به انبوهی از پرسش هایی که در اطراف این موضوع وجود دارد. مرور این پرسش ها، چشم‌انداز این سلسله یادداشت ها را روشن می کند.

اصلاً چرا باید یک متن ویرایش شود؟ از چه زمانی قرار شد متن ها و نوشته ها ویرایش شود؟ چرا چنین ضرورتی احساس شد؟ ابتدا کدام زبان به ضرورت آن پی برد؟ چه کسی یا کسانی چنین تصمیمی گرفتند؟ بر چه اصل و قانونی دست به این کار زدند؟ آیا در سده های گذشته، نویسندگان و شاعران بنام هم آثارشان را ویرایش می کردند؛ اگر پاسخ مثبت است، براساس چه شیوه نامه ای این اتفاق می افتاد؟ خودشان ویرایش می کردند یا ویراستارانی بودند که این وظیفه را بر عهده داشتند؟ آیا به این افراد ویراستار می گفتند یا نام دیگری بر این افراد نهاده می شد؟ حدود اختیار آن ها برای اعمال نظر در یک متن چقدر بود؟ آیا ویراستاری در زبان های مختلف متفاوت است یا قوانین مشابهی هم وجود دارد؟ دانش ادبی چه سهمی در ویراستاری دارد؟ دانش زبانی چطور؟ دانستن دستور زبان برای یک ویراستار چقدر لازم است؟ آیا یک ویراستار برای ویرایش هر کتابی باید «همه چیزدان» باشد یا فقط در حوزهٔ تخصصی و مطالعاتی خود حق ویراستاری دارد؟ در دعوای میان زبان‌شناسان و ادیبان بر سر درست و غلط، حق با کیست؟ ویرایش به مفهوم امروز از چه زمانی شروع شد؟ تفاوت مصحح و مقابله‌خوان و ویراستار در چیست؟

چگونه ویراستار شویم؟ چه کسانی شایستگی دارند ویراستار شوند؟ چه معیارهایی وجود دارد که صلاحیت یک ویراستار را مشخص می کند؟ این معیارها چگونه و از طرف چه کسانی تدوین شده است؟ چه کتاب هایی برای فراگیری دانش ویرایش وجود دارد؟ چرا در این آثار آموزشی اختلاف نظرهای فراوانی دیده می شود؟ نظر و دیدگاه درست یا درست‌تر کدام است؟ چرا فرهنگستان زبان و ادب فارسی که در این حوزه شیوه نامه ای مختصر منتشر کرده، نتوانسته است مرجعیت رسمی را عهده‌دار شود؟ چرا حتی سازمان ها و دستگاه های رسمی و دولتی به رعایت شیوه‌نامهٔ فرهنگستان ملزم نشده‌اند؟ آیا با مطالعهٔ این همه آثار در حوزهٔ ویرایش می توان ویراستار شد؟ آیا گذراندن دوره های آموزشی برای ویراستار شدن لازم است؟ آیا ویراستاران همیشه بر دیدگاه و نظرهای خود ثابت می مانند یا تجربه و گذر زمان ممکن است دیدگاه هایشان را تغییر دهد؟ آیا در حوزهٔ ویرایش چیزی به عنوان «درست» و «نادرست» وجود دارد یا اصل بر «درست» و «درست‌تر» است؟ آیا دست ویراستار برای ویرایش یک متن باز است؟ ویراستار تا کجا می تواند به سبک نوشته و نویسنده دست بزند؟ آیا همیشه حق با ویراستار است یا «ویراستار خرابکار»۱ هم داریم؟ چرا برخی به ویراستار اعتماد ندارند و تصورشان از ویراستاری تنها نشانه‌گذاری و فاصله‌گذاری است؟ با پدیدهٔ «ویرگولستاری»۲ چه باید کرد؟ چرا هنوز این باور همه‌گیر نشده است که ویرایش خوب و علمی، به اعتبار یک اثر می افزاید و در خوانش بهتر آن مؤثر می افتد؟

...و پرسش هایی دیگر.

«ویراستار خرابکار» کتابی است از کرول فیشر سلر و ترجمهٔ فاطمهٔ ترابی

ویرگولستار به ویراستارانی می گویند که در نشانه‌گذاری زیاده‌روی می کنند.

یادداشت

«برخیزید» ماجرای سرودن «خمینی ای امام» به چاپ چهارم رسید

سید حمید شاهنگیان از جمله هنرمندانی بود که در واقعه خونین ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ حضور داشت و از همان زمان، معتقد بود که نباید اجازه داد که این اتفاق مهم تاریخی از سوی رژیم پهلوی به فراموشی سپرده شود. با همین انگیزه بود که به تنهایی و در خفقان آن دوران، سرود ۱۷ شهریور را به یاد شهدای این واقعه تولید کرد. به گزارش «فارس»، او تنظیم و آهنگسازی بسیاری از سرودها یا نقل بی نظیر «برخیزید ای شهیدان راه خدا»، «خمینی ای امام» و... را نیز برعهده داشته است. پس از انقلاب نیز تا سال ۱۳۶۰ از سوی رئیس وقت سازمان صداوسیما، مسئولیت امور موسیقی این نهاد را برعهده گرفت و در شرایط ویژه آن دوران، شاهد چالش های زیادی در این عرصه بود که خاطراتی مهم و شنیدنی دارد و بخش هایی از آن، در کتاب «برخیزید» روایت شده است. چاپ چهارم «برخیزید»؛ خاطرات شفاهی سید حمید شاهنگیان، آهنگساز ترانه‌ها و سرودهای انقلاب به قلم روح ا... رشیدی و توسط انتشارات «راه یار» منتشر و روانه بازار نشر شد.



زین قند پارسی

علیرضا حیدری|مدرس ویراستاری

نشانه گذاری خط مؤرب(/)

نشانه‌ها جایگاه مشخصی در نوشته دارند و رعایت آن‌ها به درست‌خوانی و درست‌نویسی کمک می‌کند. خط مؤرب نشانه جداساز است که دو نمونه کاربرد آن عبارت است از:

۱- به جای «یا» و «واو» عطف یا معادل دو کلمه که حُکم واحد دارند: دگمه/دکمه/تکمه/تگمه از کلمات چند املایی هستند.

۲- برای جدا کردن روز، ماه و سال و جلد و صفحه: در ۳/۴/۱۳۳۶ متولد شد.

۴/۱۳۶ (جلد ۴ صفحه ۱۳)

#زین_قند_پارسی

سوژه روز

کتاب های ۳۰۰ میلیونی ناشناخته!

نیمه دوم سال پرترافیک ترین دوره در طول سال برای جشنواره‌های ادبی است. به گزارش «فارس»، در دی و بهمن ماه سه جشنواره پانزدهمین دوره از جایزه ادبی جلال، هفدهمین دوره از شعر فجر و چهلمین دوره از کتاب سال برگزار شد.

زمانی که درباره میزان مخاطبان میان حوزه کتاب و ادبیات با سینمای فجر بحث می شود این نگاه به وجود می آید که مخاطبان این دو حوزه با هم تفاوت دارند، این نکته پذیرفتنی است، اما عامل اصلی عقب ماندگی در جذب مخاطب در این حوزه نیست.

همان طور که هنوز شاخص دقیقی از میزان کتاب خوانی در کشور وجود ندارد، هیچ روش درخور توجهی هم در بعد رسانه ای کردن این جوایز که به نوبه خودشان گران ترین جوایز در این حوزه هستند، نرسیده‌ایم.

مثلا رضا اسماعیلی، دبیر جشنواره شعر فجر، می گوید: «بالغ بر ۸۰ یادداشت و مصاحبه برای تقویت بعد رسانه ای این دوره منتشر شده است و از همین رویه هم برای بُعد رسانه ای جایزه کتاب سال استفاده شد.

زمانی هم که جشنواره های ادبی را با جشنواره فیلم فجر مقایسه می کنیم عده‌ای می گویند که مخاطب این دو حوزه با هم تفاوت دارد. بله تفاوت دارند، اما اگر در فضای شهری و مترو چرخی بزنیم خواهیم فهمید که اهالی سینما برای دیده شدن از بُعد تصویری و اکران های شهری به خوبی استفاده می کنند.»

اما آیا ۸۰ عدد یادداشت یعنی کار رسانه‌ای؟ اما در حوزه ادبی و شعر فقط به بحث اخبار مکتوب و عکس بسنده می کنیم و از تبلیغ برای جریان سازی در میان عموم مردم غافلیم یا بهتر بگوییم دغدغه ای برای ایجاد جریان ادبی در کشور وجود ندارد.

به طور مثال اگر از جلوی سینماهایی که منتخب جشنواره فیلم فجر هستند عبور کنیم حداقل بعد تبلیغی وجود دارد که می تواند چشم های مخاطب را به خود جذب کند، اما در راسته انقلاب با وجود بسیاری از کتاب فروشی ها ما از دیدن یک پوستر تبلیغاتی به اندازه A3 محرومیم که بدانیم در خانه کتاب محفل شعری است تا علاقه‌مندان شرکت کنند.

در بقیه جشنواره ها و جوایز نیز به همین شکل است و به غیر از شرکت کنندگان و دغدغه مندان از جزئیات آن حتی به طور کلی نیز با خبر نیستند.

جالب است بدانیم اگر به کتاب فروشی های بزرگ راسته انقلاب سری بزنیم و بگوییم که کتاب های برگزیده جایزه جلال و شعر فجر با ۳۰۰ میلیون تومانی جایزه را معرفی کنید تا با آن ها آشنا شویم، قریب به اتفاق بسیاری از این موضوع به دور هستند و شناختی از این موضوع ندارند. این نکته نشان از این می دهد که جشنواره و جایزه را فقط برای اینکه برگزار شود، برگزار می کنیم.



سعید تاج‌محمدی، شاعر مجموعه شعر «دقایق» از تجربه حضورش در جشنواره شعر فجر می‌گوید

ابزار جشنواره در کشور ما موفق نیست

گفت و گو

خادمی

هفدهمین جشنواره شعر فجر در حالی برگزار شد که شاعرانی از خراسان نیز در میان نامزدان بودند. سعید تاج‌محمدی با مجموعه شعر «دقایق» در بخش شعر کلاسیک حاضر بود. او جوان‌ترین شاعر این دوره و این کتاب نیز نخستین مجموعه شعر اوست. تاج‌محمدی از سال ۱۳۹۱ شعر را به صورت جدی شروع کرده است و «دقایق» که در سال ۱۴۰۰ از سوی شهرستان ادب منتشر شد، گزینشی از ماحصل ۹ سال شاعری اوست.

این مجموعه شعرها مضمونی یکسان ندارند؛ از شعر آیینی تا شعر عاشقانه در این مجموعه هست و تاج‌محمدی می‌گوید این شعرها شکل‌های زندگی او هستند در هنگامه هایی که غلیان احساسات داشته است.

او انتقادهایی به برگزاری این دوره از جشنواره دارد، از جمله اینکه جز در یک بخش، داوران در هیچ بخشی مجموعه‌ای را شایسته برگزیده شدن ندانسته‌اند و دیگر اینکه این جشنواره هیچ پیوستی نداشته و هیچ تبادل‌نظر یا نقدی روی شعرها انجام نشده است و نامزدها حتی دبیر جشنواره را ندیده به خانه‌شان برگشته‌اند.

«دقایق» مجموعه‌ای از مفاهیمی است که درباره آن شعر گفته‌ام

سعید تاج‌محمدی که اهل کاشمر است درباره سابقه شاعری و خلق مجموعه شعر «دقایق» می گوید: شعر را از سال ۹۱ به صورت جدی شروع کردم، هرچند از دوره دبیرستان نوشتن را تجربه کرده بودم. مجموعه «دقایق»، مجموعه منتخبی از شعرهای کلاسیک من است از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰. ۴۲ شعر برای این مجموعه انتخاب شد و سعی هم بر این بود که از همه موضوع‌ها و از همه مفاهیمی که من درباره آن‌ها کار کرده‌ام در این مجموعه باشد. شاخص اصلی من همیشه شعر آیینی بوده است، اما شعر عاشقانه و اجتماعی هم در این اولین مجموعه شعر من که شهرستان ادب آن را چاپ کرد، هست. پس از انتخاب شعرها، پنج، شش ماهی کار کارشناسی و اصلاحاتی روی آن‌ها انجام و کتاب چاپ شد.

برخی از شعرهایی که در این مجموعه آمده است پیش از این به صورت تکی صاحب رتبه شده بودند. به صورت مجموعه هم، در قلم زرین و در جشنواره شعر فجر نامزد شد. از کتاب هم در کاشمر استقبال خوبی شد و الان منتظر چاپ دوم آن هستیم.

او درباره تکثر و تنوع مضمونی این مجموعه شعر خاطرنشان می کند: وقتی شعرها را جمع‌آوری می کردم توصیه‌هایی می‌شد که آثار موضوعی باشد، اشعار آیینی جدا و عاشقانه جدا. ولی من نگاهم به شعر نگاه زندگی است. در این کتاب من هم برای دختر خودم شعر دارم، هم برای کسی که سرچهارراه گل می فروشد.

درباره پرستارها، مادران شهید و موضوع‌های مختلف شعر دارم. شاید تصور شود خیلی از این شعرها به سفارش جشنواره‌ها یا سفارشی بوده است، در حالی که من در جلسه نقد کتابم در حوزه هنری مشهد توضیح دادم که بیشتر این شعرها را در فضای باغمان -ما در کاشمر باغ انگور داریم و من کشاورززاده‌ام- گفته‌ام. بعضی از این شعرها را زمانی گفته‌ام که در جاده و توی اتوبوس بودم و به سمت دانشگاه می‌رفتم. هر جا برای من غلیان روحی اتفاق بیفتد شعر می گویم. در چیدن آثار هم به همین نکته اتکا کرده‌ام. از این بابت خودم راضی‌ام که این اتفاق در کتاب افتاد.

جشنواره در رشد شعر شاعر مؤثر نیست

تاج‌محمدی که در جشنواره‌های مختلف و زیادی شرکت کرده است، درباره تأثیر جشنواره‌ها در انگیزه‌دادن و معرفی شاعران و همچنین تأثیر بر کار آنان می گوید: شاید در ۵۰ جشنواره ملی و استانی بودم و در بعضی رتبه آورده‌ام.

جشنواره‌ها خیلی در رشد شعر شاعر و در عرضه به مخاطب مؤثر نیستند، اما در انگیزه دادن به شاعر و در ایجاد اعتماد به نفس در او خیلی مؤثر هستند.

شاعر دوست دارد شعرش شنیده و دیده شود، بنابراین جشنواره‌ها چون به شاعر تریبون می دهند و به او لذت رقابت را هم می چشانند، برگزیده شدن باعث ایجاد اعتماد به نفس در شاعر می شود و آن‌ها را برای خلق آثار جدید مصمم می کند. ولی خیلی از جشنواره‌ها هم عقیم هستند.

حتی روحیه شاعران را با شیوه برگزاری‌شان خراب می کنند. به طور کلی ابزار جشنواره را در شعر کشور ابزار موفقی نمی دانم، چون پیوست آموزشی و نقد و رشد در آن نیست، بیشتر خلاصه می‌شود در یک اختتامیه و اعطای جوایز و شاعر هم رها می‌شود بعد از آن.

او در ادامه با اشاره به تجربه خودش در این‌باره بیان می کند: من دبیر همایش شور شیدایی در کاشمر هستم. ۹ دوره این همایش را در کاشمر برگزار کرده‌ایم.

ایده ما این است که شاعر به چند چیز نیاز دارد. یکی از مهم‌ترین چیزهایی که شاعران را خوش حال می کند این است که شعرشان را مردم بشنوند، اما ما در جشنواره‌ها خیلی مردم را نداریم. می رویم آنجا و برای شاعران شعر می خوانیم. جشنواره‌ها باید بتوانند شعر را به دل مردم ببرند.

ما در شور شیدایی در کاشمر، شاعران میهمان را می بریم به مساجد، مدارس و امامزاده‌ها که برای عموم مردم شعر بخوانند. نکته دوم بحث آموزش و پژوهش است. جشنواره‌ها باید قبل و بعد از برگزاری، کارگاه‌ها و دوره‌هایی داشته باشند.

من از سالن جشنواره فجر که بیرون آمدم تا لحظه این گفت‌وگو، هیچ بازخوردی از این جشنواره نگرفته‌ام. نه کسی من را دید، نه کسی با من صحبت کرد، نه حتی کسی خوش‌آمد گفت، نه حتی یک نقد به کتاب من ارائه کردند. رها شدم. ممکن است بروم محو شوم، یا ممکن است انگیزه‌های درونی داشته باشم که شعر را ادامه بدهم.

اگر بتوانند به این سمت بروند که شاعری که آمده شرکت کرده و حائز رتبه شده یا نشده، دوره های آموزشی برایش ببینند و پیوستی برای جشنواره در نظر بگیرند، به نظر من بهتر خواهد شد.

> جشنواره ها باید بتوانند شعر را به دل مردم ببرند. ما در شور شیدایی در کاشمر، شاعران میهمان را می بریم به روستاها، می بریم به مساجد، مدارس و امامزاده ها که برای عموم مردم شعر بخوانند. جشنواره ها باید قبل و بعد از برگزاری، کارگاه ها و دوره هایی داشته باشند. من از سالن جشنواره فجر که بیرون آمدم تا لحظه این گفت وگو، هیچ بازخوردی از این جشنواره نگرفته ام. نه کسی من را دید، نه کسی با من صحبت کرد، نه حتی کسی خوش آمد گفت، نه حتی یک نقد به کتاب من ارائه کردند

حتی دبیر جشنواره فجر را ندیدیم

این شاعر در ارزیابی جشنواره امسال و مقایسه آن با سال‌های قبل می گوید: من مخاطب تخصصی شعر هستم و جشنواره‌های فجر را رصد می کنم. واقعیت این است که امسال به نوع برگزاری جشنواره انتقادهای زیادی دارم. یعنی نقد به شیوه و برگزاری و دبیری جشنواره فراوان است. به این معنا که همین نکاتی که پیش از این گفتم اصلا رعایت نشده است.

یعنی ما به جشنواره‌ای فراخوانده شدیم که بالاترین سطح جشنواره کشور است و انتظار می‌رود در عالی‌ترین نوع داوری و برگزاری باشد. ما شرکت کردیم و رفتیم و برگشتیم. همین. شاید برایتان جالب باشد، ما حتی دبیر جشنواره را ندیدیم. او ادامه می‌دهد: جشنواره‌های سال‌های قبل یک خوبی داشت که بخش جوان را جدا کرده بودند.

برای شاعران جوان هدایای ویژه‌ای تدارک می‌دیدند، یا در حوزه کار رسانه‌ای پیوست‌های بیشتری داشتند. امسال ما متأسفانه شاهد بودیم که بخش جوان حذف شده بود. از طرفی تنها به یکی دو اثر آن هم در قالب شایسته تقدیر هدیه داده شد و رتبه برگزیده اعلام نشد. به جز در یک حوزه، ما در پنج، شش حوزه دیگر اساسا برگزیده نداشتیم. این موضوع عجیبی است. داوران باید کتاب ها را با شرایط موجود ارزیابی کنند.

کتاب ۱۴۰۰ سال را نمی‌شود با کتاب حافظ مقایسه کرد و گفت شانس این نیست که رتبه اول بشود. شرایط موجود بررسی شده است و مثلا در شعر کلاسیک پنج کتاب نامزد شده‌اند. حداقلش این بود که می‌شد این پنج کتاب تقدیر شوند، حال یکی به عنوان برتر یکی به عنوان دوم و... ولی این اتفاق نیفتاد. البته من سطح کیفی جشنواره را خوب دیدم.

کسانی که شایسته تقدیر شدند شاعران مطرح و خوبی بودند. دو بزرگواری را که در رشته خودم برگزیده شده‌اند محق می‌دانم. ما اساسا دبیر یا داوران جشنواره را ندیدیم که بخواهیم در این باره با آنان صحبتی بکنیم. صرفا در یک مراسم شرکت کردیم و بعد برگشتیم خانه‌مان. هیچ تعاملی بین دبیر و داوران با شرکت کنندگان نبود. دبیر جشنواره اگر الان من را ببیند نمی‌شناسد.

> ما اساسا دبیر یا داوران جشنواره را ندیدیم که بخواهیم در این باره با آنان صحبتی بکنیم. صرفا در یک مراسم شرکت کردیم و بعد برگشتیم خانه مان.
> هیچ تعاملی بین دبیر و داوران با شرکت کنندگان نبود. دبیر جشنواره اگر الان من را ببیند نمی شناسد. متأسفانه جشنواره پیوست رسانه ای و آموزشی برای شرکت کنندگانش نداشت و این یکی از ضعف های آن بود. همچنین ما مقامات عالی رتبه کشور را هم در جشنواره فجر ندیدیم

وقتی قرار است به عده زیادی جایزه بدهی و نمی‌دهی یعنی یک صرفه‌جویی مالی اتفاق افتاده است. شاید هم به نظر داوران سطح کیفی کارها پایین بوده است. به هر حال نظر داوران این بوده که بهتر است هیچ عنوانی به این آثار داده نشود. نمی‌دانم دلیلش چیست.

شاعر مجموعه شعر «دقایق» در ادامه نقدهایش به این دوره از جشنواره فجر یادآور شد: متأسفانه جشنواره پیوست رسانه‌ای و آموزشی برای شرکت کنندگانش نداشت و این یکی از ضعف‌های آن بود.

همچنین ما مقامات عالی رتبه کشور را هم در جشنواره فجر ندیدیم. نکته دیگر اینکه جشنواره شعر فجر هر ساله شب شعرهایی را قبل و بعد جشنواره برگزار می کند، تحت عنوان محافل شعر فجر که اصلا امکان دفاع ندارد.

شاعرانی که به آنجا دعوت می‌شوند ضابطه درستی دارند، یعنی نمی‌دانیم چرا این شاعران دعوت می‌شوند.

به عنوان مثال من تنها نامزد خراسانی [در بخش شعر کلاسیک] بودم؛ اما به محافل شعرخوانی استان دعوت نشدم. این محافل با حضور یک سری شاعران همیشگی در همان فرهنگ‌سراهای همیشگی با مخاطبان همیشگی برگزار می‌شود که من هم این را از نقاط ضعف جشنواره فجر می‌دانم.

مسئولان در خور نام خراسان کار کنند

تاج محمدی در پایان سخنانش خطاب به مسئولان فرهنگی استان می گوید: انتظار می رود که مسئولان فرهنگی استان خراسان به اسم خراسان توجه کنند.

خراسان مهد شعر و ادبیات است، اما متأسفانه در برنامه ریزی ها و نوع عملکرد مسئولان فرهنگی استان، از اداره کل ارشاد گرفته تا حوزه هنری و حتی آستان قدس رضوی و شهرداری ها، ما ندیدیم در حوزه شعر اتفاق مؤثری بیفتد. متأسفانه شعر خراسان که زمانی در جامعه بسیار پویا و تأثیرگذار بود، امروز علی‌رغم وجود شاعران توانمندی که در کشور فعال هستند، در استان خراسان اتفاق مهم و در خور دفاعی نمی‌بینیم.



نسل حماسه، وارثان کربلا هستیم
نسلی که می‌گویند پایان یافت، ما هستیم
هان ای اتاق فکرها! هان ای تریبون ها!
ما خطِ بُطلانی بر آمال شما هستیم
با ما چهل سال است درد آشنایی هست
با درد خنجر خوردن از پشت، آشنا هستیم
رفتن... نبودن... سرنوشت شوم تاریکی ست
ما بوده‌ایم از ابتدا، تا انتها هستیم
ما از شما... آری سریم؛ آری سریم، آری
حتی اگر بر نیزه ها از تن جدا هستیم
در قیل وقال جیغ های رنگی عالم
با حنجر سرخ شهیدان هم صدا هستیم...